

## متن پرسش

با عرض سلام: بنده در محیط کارم با برخی همکاران که مشکل داشتم هابیلی رفتار کردم و همیشه آیه: «لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ» مدنظرم بود اگر جفایی در حقم می‌کردند گذشت می‌کردم اگر زیر آب مرا می‌زدند من مقابله به مثل نمی‌کردم از طرفی مطلبی از یکی از روحانیون مدنظرم بود که کریم نه تنها از خطاهای دیگران می‌گذرد که حتی حاضر نیست به روی طرف بیاورد که خطا کردی و من می‌بخشم بلکه در درون خویش می‌بخشد و انگار نه انگار که او جفایی در حقش مرتکب شده است از سوئی دیگر حاضر نشدم حتی یک دروغ بگویم ولو به نفعم باشد و صداقت به ضررم تمام شود. اما نمی‌دانم چرا خداوند با من تاکنون همانگونه رفتار نمود که با قابیل نمود. رسوایم کرد مطرود خلیقم نموده است از خرداد ۹۸ که اخبار لغو پیمانم منتشر شد. (البته پارسال کلی دویدم تا مرخصی بدون حقوق گرفتم امسال هم تاکنون تلاشهایم به جایی نرسیده است قرار بود مربی پرورشی شوم که در مصاحبه مردود شدم حال چه تصمیم دیگری بگیرند الله اعلم) باری درین ۱۹ ماه و نیم همچو مرغ سرکنده دست و پا زدم چه شبها که چکنم چکنم ورد زبانم بود چه تهمت‌ها که نثارم نشد و هیچ حق دفاعی به من ندادند چقدر ازین اداره به آن اداره مرا فرستادند و رسماً گفتند که ما تو را پاسکاری می‌کنیم خلاصه گویی جنازه ای هستم که هیچ کس حاضر به دفنش نیست چرا خدا یاریم نکرد من که دروغ نگفتم من که کریمانه رفتار کردم سعی کردم هیچ اسمی از کسی نبرم و کسی را حتی به حق تخریب نکنم. چرا همه چیز بر سرمن خراب شد و اگر خطایی بود چرا حق کریمانه رفتار نکرد؟ باور کنید هر چه حقوق معلمی ۹۷ ام باقی مانده است را نیت کردم به مادرم بدهم و حتی تابستان امسال قبل از اینکه هنوز کارم درست شود به حسابش ریختم یا سال ۹۸ نیتم این بود که اگر کارم درست شود حقوقم را اختصاص دهم به جهیزیه خواهر یتیمم. اما نشد امسال هم با اینکه از اموالم گذشتم باز تا کنون فرجی نشده است من که قابیل نبودم چرا حق مرا قابیل می‌پندارد مگر قلب سوخته و اشکهایم که هم اکنون جاریست را نمی‌بیند منکه قابیل نبودم چرا؟

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چرا به این سنت فکر نمی‌کنید که «دوست دارد یار، این آشفستگی». ولی نتیجه‌ی نهایی هرچه پیش آید به ضرر شما نیست. موفق باشید